

تحریف تاریخی نقش امام علی علیه السلام در سربه ذات‌السلاسل و دلایل آن

مریم سعیدیان جزی / استادیار دانشگاه اصفهان / msaeedyan@ltr.ui.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۶/۳۱ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

چکیده

سربه ذات‌السلاسل، یکی از حوادث مهم تاریخ صدر اسلام است که در سال هشتم هجری رخ داد. برخلاف وجود دلایل و شواهد متعددی که ثابت می‌کند امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام در این سربه حضور فعال داشته، برخی از منابع اسلامی آن را انکار کرده‌اند. سؤال این است که حضور امام علی علیه السلام در این سربه چگونه اثبات می‌شود و این موضوع، چه فواید و ضرورتی دارد؟ دلایل تغافل نویسندگان اسلامی در انکار حضور آن حضرت در این سربه چیست و این امر چه پیامدهایی داشته است؟ سربه ذات‌السلاسل، نقش مهمی در موضع‌گیری جریان‌های مختلف در مواجهه با مسائل مهم جامعه اسلامی مانند جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و مسأله خلافت، فهم آموزه‌های دینی و جایگاه صحابه دارد و تدابیر و اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله در این سربه، برای ابلاغ امامت خاصه علی علیه السلام و رد ادعاهای دیگر بوده است. این امر، سبب شده تا در حین سربه و بعد از آن، ائتلافی علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان صورت گیرد که نتیجه آن تحریف حقایق به‌ویژه در روایت و ثبت سیره و مغازی و تغافل نسبت به آموزه‌های وحیانی، تدابیر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسائل مهم جامعه اسلامی بوده است. روش تحقیق، مطالعه تاریخی به شیوه تحلیلی، توصیفی و انتقادی است که با استفاده از منابع اسلامی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ذات‌السلاسل، پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، عادیات، صحابه، عمرو بن عاص.

مقدمه

بازشناسی حوادث صدر اسلام و سیره‌پژوهی، یکی از اولویت‌های تحقیقات اخیر در حوزه اسلام‌شناسی و شناخت مفاهیم بنیادی و سیر تحول تاریخی مرتبط با آن است. یکی از حوادث مهمی که در زمان حیات پیامبر ﷺ رخ داد، سربه ذات‌السلاسل است که منابع اصیل اسلامی اعم از حدیثی، روایی، تاریخی، رجالی و کلامی، به دلایل مختلف به آن توجه داشته‌اند. یکی از دلایل این موضوع، نقش و جایگاه این سربه نزد فرقه‌های مهم اسلامی و استفاده از آن برای دفاع از عقاید خود و رد ادعای دیگر است؛ در حالی که ابهامات، تناقضات و سؤالات بسیاری درباره روایت تاریخی سربه و موضوعات مرتبط با آن وجود دارد و منابع اسلامی بدون توجه به این تعارضات، به روایت حادثه پرداخته‌اند. بخشی از این مسائل، در تحقیق دیگر نویسنده مقاله پاسخ داده شده؛ اما سؤالات دیگری هم‌چنان مطرح است که این تحقیق به بخشی از آن‌ها می‌پردازد.

اخبار و گزارش‌های مربوط به ذات‌السلاسل از چهار طریق اهل‌بیت علیهم‌السلام، صحابه، تابعین و روایت جمعی نقل شده و در این میان بیشترین حجم اخبار موجود مربوط به حضور علی علیه‌السلام و فضایل ایشان است. در حالی که در سلسله مسانید و روایت منابع تاریخی، حدیثی و رجالی که توسط رجال اهل سنت نوشته شده نه تنها اخباری از این دست دیده نمی‌شود که به جای آن بر فضایل برخی صحابه و برتری و استحقاق آن‌ها برای جانشینی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توجیه مسئله خلافت تأکید شده است. از سویی در منابع حدیثی - روایی، تفسیری و کلامی شیعه که اسناد و طرق خبر آن متصل به صحابه و اهل‌بیت علیهم‌السلام است، حضور امام علی علیه‌السلام در ذات‌السلاسل یک واقعیت مسلم تاریخی است و مهم‌ترین وجه تمایز این سربه نسبت به دیگر حوادث این زمان اثبات امامت خاصه امام علی علیه‌السلام با استفاده از ادله قرآنی، سنت قولی و عملی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر شواهد و قراین تاریخی است. از سویی دیگر ضعف در سلسله اسناد و تناقض در اخبار ارائه شده و ظن تحریف و تغافل تاریخی در ثبت و روایت، فضیلت سازی برای برخی صحابه و ارتباط دادن آن با جانشینی و حوادث

پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله از جمله دلایلی است که بحث و بررسی پیرامون این موضوع را با اهمیت می‌نماید. در میان تحقیقات معاصر در دو کتاب الصحیح من السیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله اثر علامه عاملی و سیرة المصطفی اثر معروف حسنی بر حضور امام علی علیه السلام در ذات السلاسل تأکید کرده‌اند. (عاملی، ۱۴۲۶، ج ۲۰، ص ۱۵۹ به بعد؛ حسنی، ۱۴۱۲، ص ۲، ص ۳۵۰-۳۵۱)

سؤال این است که دلایل اثبات حضور امام علی علیه السلام در ذات السلاسل چیست؟ انگیزه تغافل و تحریف درباره نقش ایشان در ذات السلاسل چیست؟ طرح این بحث، کدام یک از زوایای تاریخ اسلام را روشن می‌گرداند؟ بر این اساس، گزارش سربیه ذات السلاسل در دو گروه از منابع اسلامی اعم از شیعه و سنی، به تفکیک بررسی شد و محورهای محل بحث به صورت مجزا تحلیل و ارزیابی انتقادی گردید.

محورهای اصلی در این مقاله عبارتند از: در آمدی بر شناخت سربیه ذات السلاسل در منابع سنی، نقش و جایگاه امام علی علیه السلام در ذات السلاسل و نتایج آن در منابع شیعی، فضایل خاصه امام علی علیه السلام و رابطه آن با امامت و وصایت، انگیزه تغافل در روایت نقش ایشان در این سربیه و دلایل آن. این تحقیق به دنبال آن است تا ضمن اثبات مشارکت امام علی علیه السلام در ذات السلاسل و فضایل خاصه آن حضرت، انگیزه‌ها و زمینه‌های منابع اسلامی از تغافل را نسبت به این ماجرا بررسی کند و مدعی است این مسأله، ضمن کمک به تحقیقات انجام شده در سیره پژوهی و نقد متون، بخش مهمی از زوایای پنهان تاریخ اسلام و مبانی شیعه را روشن می‌کند.

مطابق با اخبار مهم در منابع شیعی، باید گفت مرحله اساسی و سرنوشت ساز سربیه ذات السلاسل، با اعزام امام علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله گره خورده است؛ موضوعی که در وهله نخست، ممکن است به گرایش‌های عقیدتی و مذهبی متهم شود و محل تردید باشد. نتیجه آن که مجموعه‌ای وسیع از روایات متناقض و مبهم از این واقعه در منابع اسلامی وجود دارد که اگرچه ادعای نقل خبر و گزارش آن را دارند، به واقع خود بیش از همه و

پیش از دیگران، درگیر حب و بغض‌های فرقه‌ای و گرایش‌های سیاسی شده و از این جهت، در روایت حادثه و تحلیل ابعاد مختلف آن و پاسخ به سؤالات متعددی که در متن این سریه وجود دارد، ناتوان مانده‌اند. گویی عمدی در بیان اخبار متناقض بوده تا محقق تاریخی، مشغول حل این تعارضات شود و از طرح مسائل مهم بازماند.

گزارش سریه ذات‌السلاسل در منابع عامه

ذات‌السلاسل نام ریگ‌زاری در شمال غرب جزیره‌العرب (طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۵) یا آبی در سرزمین جذام است، (حموی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۳) این منطقه، محل استقرار برخی از اعراب یمنی مانند قضاغه، بلی و جذام بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳۱) که با رومیان و دیگر اعراب بادیه‌نشین مراوده داشتند. (طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۵) با فتح مکه و گسترش دعوت پیامبر ﷺ مشرکان و دشمنان اسلام به تکاپو افتادند. از جمله این‌ها، کفار عرب و بادیه‌نشینان مرزهای شمالی بودند که علیه پیامبر ﷺ متحد شدند و با رومیان پیمان دوستی بستند و قصد حمله به مرکز حکومت اسلامی (مدینه) را داشتند. (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰) به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌هایی که سبب تقویت ارتباط اعراب و رومیان شده، کشته شدن نماینده پیامبر ﷺ به دستور حاکم غسان، سرانجام سریه موته و تصمیم آن حضرت برای مقابله با توطئه‌های بادیه‌نشینان مرزی و تأمین امنیت مرزهای شمالی بود. (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۴۰؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۵) به همین علت، آن حضرت پس از دریافت اخباری مبنی بر تصمیم اعراب برای حمله به مدینه، به سرعت اقدام کردند و پیش از آن‌که کفار امکان تحرک و حمله پیدا کنند، آن‌ها را به عقب‌نشینی و پذیرش شکست وادار نمودند.

از این حادثه در متون اسلامی، با اسامی مختلفی نام برده شده و بیشتر از همه، اختلاف بر سر غزوه یا سریه بودن ذات‌السلاسل است. طبری و دیگران، آن را غزوه (طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۵؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۷۱) و واقدی، ابن‌سعد، بلاذری و

مسعودی، سریه دانسته‌اند. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۰؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۱۰، ص ۲۷۸؛ ج ۱، ص ۳۸۰؛ مسعودی، بی تا، ۲۳۱). برخی دیگر آن را در هر دو گروه قرار داده‌اند (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶۹؛ طبری، تاریخ، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۵؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۳۱۲) مطابق تعریف معمول سریه و غزوه، چون پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه ماندند و کسانی از صحابه را به میدان ذات السلاسل فرستادند، باید این حادثه را در زمره سرایا به شمار آورد. (سبحانی، بی تا، ص ۱۴۰) یک احتمال هم این است که با توجه به حضور امام علی علیه السلام، تدابیر خاصه پیامبر صلی الله علیه و آله و سفارش آن حضرت مبنی بر اطاعت محض صحابه و سپاهیان از حضرت علی علیه السلام و نظارت بر آن‌ها بتوان آن را به مفهوم غزوه نزدیک‌تر دانست.

اگرچه منابع اسلامی به‌طور مستقل درباره دلایل سریه نوشته‌اند، با توجه به اهمیت و جایگاه سریه، تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرماندهان و نیروهای اعزامی، اخبار و روایات صحابه و گزارش‌های تاریخی موجود در منابع عامه، می‌توان این دلایل را چنین برشمرد:

۱. تقویت نیروی نظامی مسلمانان؛ (ابن هشام، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۴۰؛ ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۰؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۷۵).
 ۲. تأمین امنیت مرزها و تألیف قلوب اعراب شمالی؛ (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۷۰)
 ۳. مقابله با اتحادیه کفار اعراب و رومیان (طبری، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۵) که قصد حمله به مدینه را داشتند. (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰)
 ۴. نشر اسلام و جهاد. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۸۶-۱۱۸۷)
- با توجه به آن چه در ادامه مقاله بحث شد، معلوم می‌گردد این‌ها بخشی از دلایل و اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله در این سریه بوده است.

به باور عموم محدثان، سیره‌نویسان و محدثان اهل سنت، پیامبر صلی الله علیه و آله عمرو بن عاص را از همان آغاز به‌عنوان فرمانده عازم ذات السلاسل کردند و او تا پایان سریه، فرمانده باقی ماند. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۷۱؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۷۳۰؛ بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۱،

ص ۳۸۰-۳۸۱؛ ج ۱۰، ص ۲۷۸؛ ابن‌کثیر، ۱۳۹۶، ج ۴، ص ۳۱۲؛ از این رو، اگرچه ابو عبیده و رجال صحابه در ذات‌السلاسل حضور داشتند، اعزاز آن‌ها از سوی پیامبر ﷺ تنها برای کمک به عمرو و تقویت جبهه مسلمانان بود. به همین جهت، ابو عبیده از عمرو تبعیت کرد و عمرو با غلبه بر اعراب و کفار و به دست آوردن غنایم به مدینه بازگشت. (ابن‌سعد، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۰؛ طبری، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۵)

امام علی علیه السلام و سریه ذات‌السلاسل در متون شیعی

اخبار حضور علی علیه السلام در منابع شیعی، از طرق مختلف قابل‌دست‌رسی است:

الف) نقل روایت از طریق پیشوایان معصوم علیهم السلام: علی بن ابراهیم قمی و شیخ طبرسی در تفسیر برخی آیات قرآنی، اخباری از امام علی بن حسین علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام نقل کرده که درباره نقش امام علی علیه السلام و فضایل آن حضرت است، (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۸۰۲-۸۰۳) هم‌چنین در متون روایی و مناقب، روایاتی درباره نقش امام علی علیه السلام در ذات‌السلاسل با سلسله اسناد روات شیعی متصل به معصوم نقل شده است.

ب) نقل روایت از طریق صحابه و تابعین: قمی، شیخ طوسی و طبرسی، به نقل از ابن‌عباس، عکرمه، عطاء، حسن بصری، مجاهد، قتاده و ربیع، بر نقش امام علی علیه السلام در این سریه و نزول سوره عادیات تصریح می‌کنند، (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۲۲-۴۲۳) طبرسی هم‌چنین درباره ذات‌السلاسل و امام علی علیه السلام، اخباری را به نقل از ابن‌مسعود، سدی و ابن‌عباس آورده است. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۸۰۳-۸۰۴) ابن‌شهر آشوب خبر ذات‌السلاسل را از طریق اسناد خود به نقل از مقاتل، زجاج، وکیع، ثوری، سدی، ابوصالح و ابن‌عباس و به همان طریقی نقل می‌کند که گزارش آن در ارشاد شیخ مفید آمده است. (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۳) علاوه بر این، اخباری در متون شیعی مشاهده می‌شود که با توجه به

اسناد آن و سلسله روایات جمعی که در بخشی از متون شیعه مانند ارشاد وجود دارد، می‌توان یک روایت منظم تاریخی از ذات السلاسل ارائه داد.^۱

مطابق با اخبار این گروه از منابع اسلامی، پس از فتح مکه و بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، شخصی از اعرابی خدمت آن حضرت رسید و ایشان را از تجمع بنوسلیم و تصمیم آن‌ها برای حمله به مدینه آگاه کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۴) پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام دستور دادند تا مسلمانان را به مسجد فرابخوانند.^۲ سپس فرمود: «ای مردم! دشمن خدا و شما به سوی شما آمده است و قصد تصرف مدینه را دارد». (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۷) منابع سنی و شیعی تا این قسمت روایت اتفاق نسبی دارند؛ اما ادامه روایت، دچار تعارض جدی است و هر دو گروه دچار اختلافات بسیاری هستند و برخلاف محدودیت بیش‌تری که منابع شیعی برای نشر اخبار سیره و مغازی داشته‌اند، اختلاف آن‌ها، در توصیف ترکیب نیروها، چگونگی اعزام، نام فرماندهان، سرانجام سریه و جایگاه افراد دیگر است.^۳ این اختلاف در دو گروه از هم تفکیک شده که عبارتند از:

۱. شیخ مفید، ابن شهر آشوب، راوندی و برخی دیگر که معتقدند پیامبر صلی الله علیه و آله در مرحله نخست، هفتصد نفر را به فرماندهی عمرو به ذات السلاسل فرستادند. آن‌ها اعراب

۱. ابن شهر آشوب درباره وجه تسمیه ذات السلاسل می‌نویسد: «نام دژی است که به واسطه زنجیره‌هایی از آهن و چوب محافظت می‌شد». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۲۹؛ ج ۱، ص ۱۷۴) وی در ادامه می‌نویسد: «غلات در این زمینه دیدگاه‌هایی دارند که مطابق با آن، کارهایی را به علی علیه السلام نسبت داده‌اند که پذیرفتنی نیست». (همان) برخی این موضوع را شرح و نقد کرده‌اند. (عالمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۴)

۲. کلینی و صدوق از امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که در پاسخ به قتال با اعراب فرمود: «لا ان یخاف علی الاسلام فیستعان بهم...». (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۴۵؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۳)

۳. شیخ مفید این حادثه را با عناوینی چون غزوه ذات السلسله یا غزوه وادی الرمل و در تاریخ ۵ و ۶ هجری آورده است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۳) که البته تاریخ آن پذیرفتنی نیست. مرحوم طبرسی در **مجمع البیان** با نقل حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام، یکی از علت‌های نام‌گذاری این حادثه به ذات السلاسل را به این جهت می‌داند که امام علی علیه السلام برخی را به اسارت گرفت، تعدادی را هلاک کرد و کف اسرا را مثل زنجیر به هم بسته بود. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۲۸؛ راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۸)

را بر یکی از این دو کار یعنی اسلام آوردن یا جنگ مخیر ساختند. اعراب مقاومت کردند. سپس لوا را برای دیگری بستند که او هم بازگشت. در نهایت فرماندهی و پرچم را به دست حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام دادند و او را عازم وادی رمل کردند. آن حضرت هم‌چنان حرکت می‌کرد تا به منزلگاه کفار رسید و منتظر ماند تا صبح شد. نماز صبح را به‌جا آورد و دشمنان را به اسلام یا قتال دعوت کرد؛ اما آن‌ها قتال کردند و شکست خوردند و مسلمانان فاتح به‌سوی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بازگشتند. (راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۷؛ استرآبادی، ۱۳۷۴، ص ۳۳۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۴، ج ۲، ص ۱۲۹؛ علامه حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۴؛ یوسفی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۷۶-۵۷۷).^۱

۲. برخی دیگر از نویسندگان شیعی مانند دیلمی و فرات کوفی، خبر ذات‌السلاسل را این‌گونه روایت می‌کنند. شخصی اعرابی نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و ایشان را از تصمیم مشرکان باخبر کرد. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ابوبکر را با هفتصد نفر و به قولی ده هزار نفر از بزرگان صحابه و انصار فرستادند که وقتی باخبر شدند تعداد دشمنان بسیار است، ترسیدند و بازگشتند. سپس عمر رفت که چون شب بود، هر دو سپاه ترسیدند و بازگشتند. در این فاصله بین عمر و عمرو عاص اختلاف افتاد. در نتیجه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لوا را برای عمرو بستند و او را به ذات‌السلاسل فرستادند. به نوشته دیلمی، علت انتخاب عمرو آن بود که کفار عرب علیه مسلمانان توطئه کردند و عمرو قول داد می‌تواند آن‌ها را فریب دهد. (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۱) متون تاریخی، هم‌چنین رابطه خویشاوندی عمرو عاص با کفار اعراب و تصمیم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای تألیف قلوب آنان (طبری، تاریخ، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۵)، نیز جنگاوری و مهارت نظامی عمرو را از جمله دلایل انتخاب وی می‌دانند. (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۱۶) فرات کوفی تنها کسی است که می‌نویسد پیامبر خالد بن ولید را فرستاد. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۱) با توجه به اجماع نظر منابع مختلف اسلامی درباره عمرو و نیاوردن نام خالد در

۱. علی‌بن‌ابراهیم قمی همین حوادث را در ذیل غزوه وادی یابس آورده است. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳۴-)

میان اخبار موجود، باید گفت این خبر محل تأمل و تردید است. عمرو برخلاف دیگران، به اعراب نزدیک شد و با آنها هم جنگید، اما شکست خورد و به مدینه بازگشت و حتی بین او و ابوبکر و عمر بر سر فرماندهی درگیری پیش آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله که چنین دیدند، حضرت علی علیه السلام را فراخواندند و پرچم را به او دادند و سپاهیان را به همراه ابوبکر، عمر و عمرو و تحت فرماندهی آن حضرت، عازم ذات السلاسل کردند. به قولی پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را از مسجد احزاب رهسپار نمودند. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۱-۵۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۷) حضرت علی علیه السلام به جای عبور از مسیر کوه‌ها، راه بیابان را در پیش گرفت. هم‌چنین به دستور ایشان، مسلمانان شبانه حرکت می‌کردند و روزها مخفی می‌شدند. این امر باعث تغافل دشمن و دست‌رسی مسلمانان به کمینگاه آنان شد. عمرو و برخی از افراد سپاه، به امام علی علیه السلام حسد بردند و کینه او را به دل گرفتند و تلاش کردند تا مانع پیروزی آن حضرت شده، با ایجاد آشوب و نافرمانی، سپاهیان را ناتوان گردانند. (فرات، ۱۴۱۰، ص ۵۹۱-۵۹۲) ولی آن حضرت با یادآوری سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بر اتحاد و اطاعت‌پذیری مسلمانان و برملا کردن نیت مخالفان، این فتنه را سرکوب کرد. (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۱-۸۲) پس از آن که سپاهیان به سرزمین اعراب رسیدند، حضرت علی علیه السلام دستور داد مسلمانان شتران و اسبان را آب بدهند و با سرعت تمام حرکت کنند. نیز دهان مرکب‌های خود را ببندند و صبحگاه حمله کنند. با این تدبیر، کفار مستأصل شدند و گروهی از آنها هلاک گردیدند و بقیه فرار کردند یا اسیر شدند. به قولی ۱۲۰ نفر کشته و ۱۲۰ نفر اسیر گشتند. (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۳) امام علی علیه السلام در این جنگ سوار بر اسب اشقر بود (همان، ص ۵۹۱-۵۹۳؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۷) و از تجارب مسلمانان در مراحل پیشین بهره برد و شکست آنها را جبران نمود. (طبری، المسترشد، بی‌تا، ص ۴۹۲-۴۹۳) به نوشته راوندی، یکی از علل شکست عمرو در جنگ با کفار، آن بود که او مسلمانان را از مسیر کوه‌ها عبور می‌داد که اعراب در آن مستقر بودند. درحالی‌که دشمن به واسطه استقرار در کوه‌ها، مسلمانانی را که از مدینه خارج می‌شدند، زیر نظر داشت و سر

فرصت آنان را محاصره می‌کرد و شکستشان می‌داد؛ اما حضرت علی علیه السلام به جای حرکت در مسیر کوه‌ها، سپاه را از راه‌های بیابانی عبور می‌داد. با این کار، مسلمانان در ذات‌السلاسل مستقر شدند و پس از جهاد با کفار و مغلوب کردن آن‌ها، قلعه‌هایشان را به تصرف درآوردند. (ابن جبر، ۱۴۱۸، ص ۶۳۶؛ راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۸)

یک نمونه دیگر از رشادت‌های امام علی علیه السلام در این سریه، تیراندازی به قلعه ذات‌السلاسل و فتح آن بود.^۱ (ابن جبر، ۱۴۱۸، ص ۶۳۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۲۹) سروجی در شعری، حالات امام علی علیه السلام را در هنگام غلبه بر کفار و فتح قلعه ذات‌السلاسل می‌ستاید.^۲

پس از فتح ذات‌السلاسل، سوره عادیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. (راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۹؛ استرآبادی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۹-۳۳۴) با توجه به آیات این سوره و قراین دیگر، به نظر می‌رسد آن چه به عمرو بن عاص و پیروزی وی نسبت داده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۱۷؛ ابن سیدالناس، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۷۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۴۴)، نادرست بوده (مرتضی‌العاملی، ۱۴۲۶، ج ۱۸، ص ۳۰۱-۳۰۲ و ج ۱۹، ص ۲۴۹) و حرکت شبانه مسلمانان و به کمین نشستن آن‌ها را که در روز آورده‌اند، مربوط به این مرحله از سریه است.

یکی دیگر از شواهد اثبات حضور امام علی علیه السلام در این سریه، احادیث و اخبار منقول از اهل بیت علیهم السلام است. در نصوص شیعی با اتصال سند از امام سجاد علیه السلام و امام رضا علیه السلام از قول امام علی علیه السلام، روایاتی درباره فضیلت جهاد، پاداش شهید و مانند آن وجود دارد که با توجه به، تصریح روایت و موضوع آن، معلوم می‌گردد که تاریخ صدور آن‌ها هم‌زمان با سریه ذات‌السلاسل بوده است. از آن جمله امام علی بن حسین علیه السلام و امام رضا علیه السلام، از امام

۱. ابن شهر آشوب از همین قضیه استفاده کرده و زندگی حضرت علی علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام را با هم مطابقت داده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۰)

۲. شعر سروجی: «...رمی الی ذاک علیا فیا لهوی / بالمنجیق فی امان المقتدر / و کانت الرمیة غیر واصل / فمر یمشی فی الهوا حتی انحدر / فجدل البطل فیه بعدما / صار الی الدین الحنیفی نفر / فاستسلموا لما رأوا فعاله / تجدل قدرا عن افاعیل البشر». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰)

علی علیه السلام نقل می‌کنند که وقتی آن حضرت از ذات السلاسل بازمی‌گشت، کسی از ایشان درباره جهاد سؤال کرد؛ آن حضرت فرمود: «جهادگران وقتی قصد جهاد می‌کنند، خداوند برای ایشان دوری از آتش را می‌نویسد و چون عازم جهاد شوند ملائکه را به یاری آن‌ها می‌فرستد». (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ صحیفه الرضا، ۱۴۰۸، ص ۲۶۷-۲۶۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۳۷۲؛ قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۶)^۱

برخلاف اختلاف نظر منابع در خصوص ترکیب مسلمانان و چگونگی اعزام آنان و تعارض روایات موجود درباره واگذاری مأموریت‌ها و ترتیب انتخاب فرماندهان سریه، باید گفت پیامبر صلی الله علیه و آله در سه مرحله و در سه گروه، مسلمانان را عازم ذات السلاسل کردند: نخست به فرماندهی ابوبکر و به همراه او عمر بن خطاب که از مقابل با اعراب ناتوان ماندند و بازگشتند. مرحله دوم به فرماندهی عمرو بن عاص و همراهی ابوعبیده جراح فهری که به علت ترس و ناتوانی عمرو، استقرار اتحادیه اعراب در بلندی تپه‌ها، برتری جویی و مفاخرات صحابه نسبت به یک‌دیگر و اختلاف آنان با هم، نتایج قابل توجه و مورد رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله تأمین نشد. در مرحله سوم، امام علی علیه السلام مأموریت یافت تا به ذات السلاسل برود که در نهایت به شکست اعراب و پیروزی و غلبه مسلمانان خاتمه یافت. هرکدام از دلایلی که منابع اسلامی درباره این سریه بیان کرده‌اند، می‌تواند حضور مسلمانان را در مناطق مرزی توجیه نماید؛ اما مناسبات پیامبر صلی الله علیه و آله با صحابه و واکنش آن‌ها و تدابیری که آن حضرت در جهت اعزام نیرو و اعطای مأموریت به افراد مختلف به کار برد، هم‌چنین روایات و اخباری که در حین حادثه و پس از آن از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و دیگر صحابه صادر شده و استفاده‌ای که متکلمان، محدثان و تاریخ نویسان

۱. از قول پیامبر صلی الله علیه و آله است که در این زمان فرمود: «ان الغزاه اذا هموا بلاغزو كتب الله لهم براءه من النار فاذا تجهزوا لغزوهم باهى الله تعالى بهم الملائكه فاذا ودعهم اهلوهم بكت عليهم الخيطان والبيوت و يخرجون من ذنوبهم كما تخرج الحيه من سلخها و يوكل الله عزوجل بكل رجل منهم اربعين الف ملك...». (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ صحیفه الرضا، ۱۴۰۸، ص ۲۶۷-۲۶۹) هم‌چنین در تفسیر نمونه در ذیل آیه ۱۷۱ سوره بقره از امام علی علیه السلام روایتی در این زمینه نقل شده است. (مکارم، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۷۸۲)

اسلامی از این قضیه کرده‌اند، حکایت از آن دارد که آن حضرت اگرچه به دنبال دست یافتن به نتایجی بود که از این سریه انتظار می‌رفت، فراتر از آن، تبیین مقام الهی اهل‌بیت علیهم‌السلام، معرفی امام علی علیه‌السلام و تأکید بر فضایل خاصه آن حضرت به‌ویژه مسأله وصایت و ولایت بر مسلمانان، ایجاد آمادگی در مسلمانان و ارزیابی میزان تبعیت صحابه و تعیین اعتبار ایمان و اطاعت آن‌ها از او امر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، از مهم‌ترین اهدافی بود که در مورد آن‌ها اصرار می‌ورزید. این سریه، ضمن خنثی کردن توطئه احتمالی اعراب و رومیان و سامان‌دهی مرزهای شام، زمینه نشر اسلام، آمدن هیأت‌های نمایندگی قبایل (وفود) (علامه حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۴)، اتحاد و انسجام داخلی مسلمانان و زمینه برای آمادگی و مواجهه با مسائل مهم پیش رو را فراهم آورد.

فضایل امام علی علیه‌السلام در سریه ذات‌السلاسل و نزول سوره عادیات

یکی از مهم‌ترین نکات روایات شیعی، تأکید بر فضایل و مناقب امام علی علیه‌السلام در سریه ذات‌السلاسل است. این اخبار، از یک سو ارتباط مستقیمی با حضور حضرت علی علیه‌السلام در این حادثه و نقش مهم آن حضرت در پیروزی مسلمانان دارد و از سوی دیگر، به واسطه اتصال آن با شأن نزول برخی آیات وحی و احادیث وارده از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و روایات منسوب به صحابه و تابعان، از اهمیت بسزایی برخوردار است. چنان‌که نویسندگان شیعی از آن برای تبیین و تشریح برخی از اصول عقاید مذهبی خود بهره برده و امامت خاصه اهل‌بیت علیهم‌السلام را اثبات کرده‌اند. هم‌چنین با آوردن شواهد تاریخی و روایی مرتبط با این حادثه، اتهامات، اشکالات و ایرادات مخالفان شیعه را پاسخ داده‌اند. ابوالقاسم کوفی و شیخ مفید از جمله کسانی هستند که دیدگاه‌های مختلف را درباره امامت مطرح کرده و بر این عقیده‌اند که سریه ذات‌السلاسل، دلیل برتری امام علی علیه‌السلام بر دیگران و فضایل خاصه آن حضرت برای احراز مقام وصایت و امامت است. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ کوفی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸-۲۹) برخی دیگر، آن را نشانه ریاست حضرت علی علیه‌السلام بر مؤمنان خاصه و پیروزی نهایی حق بر باطل می‌دانند. (حسینی، ۱۴۰۹، ص ۲۰)

بر اساس گزارش‌ها، وقتی امام علی علیه السلام از ذات السلاسل بازگشت، پیامبر صلی الله علیه و آله به استقبال وی آمدند. امام علی علیه السلام هم تا آن حضرت را دید، از مرکب خود پایین آمد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سوار شو که همانا خدا و رسولش از تو راضی هستند». (راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷؛ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۷؛ استرآبادی، ۱۳۷۴، ۳۲۹ و ۳۳۴-۳۳۵؛ علامه حلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۴؛ یوسفی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۷۶-۵۷۷)

کوفی در ذیل آیه شریفه صم بکم عمی فهم لایعقلون (بقره، آیه ۱۷۱)، از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کرده (کوفی، بی‌تا، ص ۱۶) و در قالب یک مقدمه و سه دلیل و یک نتیجه، این حدیث را برای بیان حقانیت وصایت امام علی علیه السلام و رضایت خدا و رسول از او می‌داند. از نظر کوفی، سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، دلالت بر این دارد که گروهی از صحابه که پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاقاً مسئولیت‌هایی هم به آن‌ها داد، شایستگی درک محبت و دوستی خدا و رسولش را ندارند و خدا و رسولش هم آن‌ها را دوست نمی‌دارند. وی سه دلیل برای ادعای خود آورده است: نخست آن که پیامبر صلی الله علیه و آله حکیم هستند و سخنی را بر زبان نمی‌آورند، مگر برای فایده‌ای که در آن است؛ و لذا کلام آن حضرت عین حق است و در مسیر صدق قرار دارد. دوم، اسناد و گزارش‌های موجود درباره ذات السلاسل است که بر اساس آن، معلوم می‌گردد فرماندهان پیش از امام علی علیه السلام، نه تنها شکست خوردند که به گفته وی: «ما نمی‌یابیم حتی یک خبر که در آن مبارزه و شجاعت آن‌ها مشخص شده باشد و با فردی از مشرکان مبارزه کرده باشند». (کوفی، ج ۲، ص ۲۸-۲۹) سوم، آن که با استناد به اخبار و روایات منابع عامه، ترس عمرو بن عاص از مشرکان، استمداد وی از پیامبر صلی الله علیه و آله و اضطراب و ناتوانی مسلمانان در مواجهه با مشرکان و واکنش سخت پیامبر صلی الله علیه و آله، دلیل بر نارضایتی آن حضرت از ایشان بوده است.^۱ (همان، ص ۷۷)

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا فرار بل کرار ان شاء الله». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ص ۶۱-۶۵) و حضرت علی علیه السلام مصداق بارز این قضیه در ذات السلاسل بود.

از دلایل مهم اثبات فضایل و برتری امام علی علیه السلام، نزول سوره عادیات هم‌زمان با غلبه مسلمانان بر اعراب و فتح ذات‌السلاسل بود. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۷) درباره زمان و شأن نزول این سوره اختلاف نظر است. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵-۳۹۷) عمده دیدگاه متون روایی و تفسیری عامه و برخی از نویسندگان شیعی بر این باورند که این سوره مکی بوده و مربوط به مناسک حج یا عرصه‌های نظامی دیگر غیر از ذات‌السلاسل است. (موسوی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۸۹ و ۵۹۱-۵۹۵؛ حسینی، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۲۷) اما جمهور منابع تفسیری شیعی که مسانید آن‌ها اخبار سیره و احادیث اهل‌بیت علیهم السلام است به جز فرات کوفی و شیخ طوسی،^۱ در آثار تفسیری خود، بر این عقیده‌اند که سبب نزول این سوره، با سریه ذات‌السلاسل ارتباط مستقیم دارد. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۸؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۱-۵۹۲؛ موسوی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۹۳؛ مکارم، ۱۴۲۱، ج ۲۰، ص ۳۸۹) به نوشته راوندی، سوره عادیات صبحگاه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در رکعت اول نماز صبح خواندند و فرمودند: «این سوره‌ای است که الان بر من نازل شده و خداوند در آن مرا بر پیروزی علی علیه السلام در برابر دشمن باخبر کرده است». (راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۸)^۲ دلایلی که ثابت می‌کند سوره عادیات در این زمان و در بیان فضایل خاصه امام علی علیه السلام نازل شده، عبارتند از:

۱. شیخ طوسی به نقل از مقاتل و دیگران غیر از وی می‌نویسد: «این سریه درباره یکی از طوایف بنی‌کنانه بود که پیامبر صلی الله علیه و آله، منذر بن ساوی را به سوی آنان فرستاد». (همان؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۳۷۳) ذکاوتی نیز در اسباب‌النزول همین را نقل می‌کند. (ذکاوتی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴)
۲. طوسی معنای کنود را با استفاده از نظر صحابه و تابعان این چنین آورده است: «فالكنود الكفور و منه الأرض الكنود التي لا تنبت شيئاً و أصله منع الحق و الخير». (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۷) طبرسی در ذیل این واژه می‌نویسد: «کنود یعنی حسود؛ جحود در برابر نعمت خدا؛ عاصی، کفور و کسی که نافرمانی کند و نعمت‌ها را فراموش نماید». وی مصداق بارز کنود را حسادت عمرو بن عاص می‌داند. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۲۳-۴۲۵) علامه نیز در این زمینه می‌نویسد: «کنود یعنی پیروی از هوای نفس و عرضه کردن آن بر قومی که به آن‌ها حمله کردند و نیز کسانی که نعمت اسلام را کفران نمودند». (طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۲۴۶)

۱. احادیث منقول از اهل بیت علیهم السلام (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۲۸) و صحابه و تابعان (کوفی، بی تا، ص ۵۹۱-۵۹۳) که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد؛

۲. اخبار منابع سیره، تفاسیر و گزارش‌های تاریخی موجود (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۵۲۸ و ۸۰۳-۸۰۴؛ کوفی، بی تا، ص ۵۹۱-۵۹۳)؛

۳. بررسی لغوی دو واژه «عادیات» و «ضَبْحاً» با توجه به قراین موجود: در برخی متون تفسیری، واژه درباره «عادیات»، به دو طریق روایی و لغوی بحث شده است: یکی از منابع در این زمینه کتاب التبیان طوسی است. شیخ در این زمینه، سه قول را از امام علی علیه السلام، ابن عباس و ابن مسعود می‌آورد که مطابق با آن، ابن عباس این سوره را مکی و در تفسیر «ضبحا»، آن را به خیل (فرس) معنا کرده که در جنگ استفاده می‌شود؛ ولی ابن مسعود آن را مدنی دانسته و در ذیل «ضبحا»، آن را به شتر تفسیر کرده که با قولی از امام علی علیه السلام در این زمینه قرابت دارد. ابن مسعود همین را دلالت بر مناسبت این سوره با مناسک حج می‌داند. (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۳۷۲) در حالی که برخی از مفسران، با دلایل مختلف مانند تشریح جهاد بعد از هجرت، ظاهر آیات که درباره خیل جنگ‌های مجاهدین آمده و شواهد تاریخی دیگر اثبات می‌کنند که سوره مدنی است. (طباطبایی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۳۴۵؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۹۶) ابهام درباره مباحث مهم این سوره، با مراجعه به متون لغت و قواعد اصولی و دیگر منابع برطرف می‌شود.

لغویان بر این عقیده‌اند که واژه «عادیات» از ریشه عدو و به معنای سرعت و «ضَبْح» به معنای صداست و صدای نفس‌های اسب و روباه را «ضبیح» یا «ضبیح» می‌گویند. (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۱؛ راغب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۰۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۸۳ و ۳۹۱) برخی دیگر می‌نویسند: «ضبیح» درباره «خیل» به کار می‌رود و خیل جمع خیول و اخیال و به معنای گروه اسبان است که مجازاً بر اسب‌سواران هم اطلاق می‌شود. (مهیار، ۱۳۷۰، ص ۳۷۸) بر این اساس، باید گفت که ضبیح در معنای خیل یا فرس در نزد اهل علم اظهر است

(ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۲۳) شیخ طوسی نیز با استناد کلی به کتب اهل لغت، «ضبحا» را خیل (گروه اسبان) معنا می‌کند. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۵؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۳۷۲)

هم‌چنین با توجه به قاعده اصولی حجیت اصالة‌الظهور، اگر بخواهیم ظاهر کلام قرآن را در نظر بگیریم، در آیه آشکارا از ضیح سخن به میان آمده که تنها مخصوص صوت انفاس خیل (اسبان) است هنگامی که زیاد باشند؛ درحالی‌که شتر ضیح نمی‌کند. (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۸۴)

قرینه اصلی آن‌که این آیات درباره جهاد است و بنابه قول فخر رازی، چنانچه قول امام علی علیه السلام و ابن مسعود را بپذیریم که ضبحا را ابل (شتر) می‌دانند، اصلاً این سوره درباره جهاد است و اگر آن را به معنای خیل اسبان و «ال» را عهد بگیریم، منظور خیل اسبان آن سوره است و اگر آن دو را اسم جنس بگیریم، مربوط به خیل اسبانی است که در هر سوره در راه خدا حرکت می‌کنند. پس لفظ «ابل» بنا بر استعاره است؛ چنان‌که «حافر» را برای انسان به کار می‌برند و عدول از حقیقت بر مجاز جایز نیست؛ و لذا ضیح برای اسب است (فخر رازی، ۱۴۷۰، ج ۳۲، ص ۲۵۹) و مطابق کلام امام علی علیه السلام، این معنا در همه جا صادق نیست و یکی از مصادیق آن شتران و حجاج است، و لذا منظور از «ضیح»، خیل اسبان است. هنگامی که می‌دوند (ابن قتیبه، *غریب القرآن*، ج ۱، ص ۴۶۶) و در اثر دویدن سریع آن‌ها، جرقه و گردوغبار ایجاد می‌شود، و لذا منظور از عادیات، «خیل فی سبیل الله» است. (ابن جوزی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۸۰) هم‌چنین نفس عمل جهاد، چنان با عظمت است که خداوند حتی نفس‌های اسبان یا شتران و صدای جرقه پای آنان و گردوغباری که همراهش است را شایسته سوگند خوردن می‌داند؛ چنان‌که در ظاهر آیات دیگر این سوره پیداست. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۲۴۳) به علاوه، در کنار روایاتی که ابتدا بیان شد، روایات فراوان موجود در منابع تفسیری و روایی، دال بر این موضوع است که این سوره درباره جهاد است. (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ صحیفه‌الرضا، ۱۴۰۸، ص ۲۶۷-۲۶۹؛ قرشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۶)

از این رو باید گفت: قراین و دلایل قرآنی ظاهر در سوره عادیات، اخبار روایی و تاریخی متواتر موجود و دیدگاه صریح لغویان، همگی بر مطابقت این سوره با جنگ و جهاد اتفاق نظر دارند؛ اما چنانکه منابع شیعی درباره شأن نزول این سوره و موقعیت امام علی علیه السلام سخن گفته‌اند، منابع عامه در برابر این موضوع سکوت کرده‌اند. از دیگر فضایل امام علی علیه السلام در ذات السلاسل تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله بر موقعیت و جایگاه آن حضرت است؛ چنانکه پس از بازگشت از ذات السلاسل، خطاب به آن حضرت فرمود:

«اگر ترس آن نبود که گروهی از امت من درباره تو چیزهایی بگویند که نصارا درباره مسیح علیه السلام گفتند، امروز سخنی درباره‌ات می‌گفتم که از کنار مردم نمی‌گذشتی، مگر این که خاک پایت را برای تبرک برمی‌داشتند؛ زیرا خدا و پیامبر او از تو خوشنودند.»^۱ (دیلمی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۸۲)

به نوشته شیخ مفید، پس از بازگشت سپاهیان به مدینه، پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب پرسیدند: «علی علیه السلام را چگونه دیدید؟» گفتند:

«ما از او خطایی ندیدیم جز آنکه در هر نماز سوره توحید را می‌خواند». وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله علت را از آن حضرت پرسیدند، عرض کرد: «به این علت که آن را دوست دارم». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به همین سبب خداوند تو را دوست دارد». (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱۷)

دیگر فضایل خاصه امام علی علیه السلام در این سربیه که منابع شیعی از آن برای اثبات وصایت و امامت خاصه آن حضرت بهره برده‌اند، شمول در اموال فیء همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله، اظهار خشنودی و دعای ایشان در حق آن حضرت و تصریح بر زعامت و جانشینی امام است؛ چنانکه فرمود: «ارکب فان الله و رسوله عنک راضیان»، (علامه حلی،

۱. «یا علی! لولا انی اشفق ان تقول فیك طوائف من اُمتی ما قالت النصارى فی المسیح عیسی بن مریم علیه السلام لقلت فیك مقالا لا تمر بملا من الناس الا اخذوا التراب من تحت قدمیک للبرکة».

۱۴۰۶، ص ۱۰۲-۱۰۴) نیز زمانی که لواء را برایش می‌بستند، فرمودند: «اللهم ان كنت تعلم انی رسولک فاحفظنی فیه و افعل به و افعل» و فرمودند: «ما شاء الله». (راوندی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۲-۱۷۳)^۱

انگیزه‌های تغافل در روایت نقش امام علی علیه السلام در ذات‌السلاسل:

۱. سرپیچی از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله

هم صحابه و هم دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله، می‌دانستند که آن حضرت برای حل مسائل آینده جامعه اسلامی و زمام‌داری مسلمانان برنامه‌هایی دارد و نیز آگاه بودند که چه کسی را به‌عنوان جانشین خود معرفی خواهد کرد. به همین جهت، مخالفان تلاش می‌کردند تا مانع تحقق این امر شوند. اسناد تاریخی، از یک توطئه ائتلافی علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و تدابیر آن حضرت خبر می‌دهند که بخشی از آن در حوادثی چون سریه ذات‌السلاسل و بخشی دیگر در جلسه سقیفه و خلافت ابوبکر و قسمی از آن در نقل اخبار سیره و ثبت آن روشن می‌گردد.

یک دلیل این مدعا، ملاقات رافع طایبی با ابوبکر در سریه ذات‌السلاسل بود، (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۲) در این دیدار، رافع درباره آینده جامعه اسلامی و مسلمانان سؤال کرد. (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۹۱) هم‌چنین در آغاز خلافت، به دیدار وی آمد و از علت زمام‌داری وی پرسید. ابوبکر به وی گفت: «بعد از رحلت، امت محمد دچار اختلاف شدند و نزدیک بود هلاک شوند و مرا دعوت کردند و من آغازگر آن‌ها نبودم». (طبری، المسترشد، بی‌تا، ص ۲۱۹-۲۲۰)

۱. امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام را با سی مرکب عازم ذات‌کرد و فرمود: «ای علی! بر تو هست آیه نفقه خیل»؛ یعنی آیه ۲۷۴ بقره و این نفقه انسان بر مرکب است. (راوندی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۲-۱۷۳)

یک دلیل این مدعا، احتجاج ابوذر با ابوبکر و عمر و مخالفت وی با ادعاهای آن دو برای بر عهده گرفتن زمامداری مسلمانان است. ابوذر آشکارا اعلام می‌کند که آنچه سبب شد تا پیامبر صلی الله علیه و آله این دو نفر و برخی دیگر از صحابه را رهسپار ذات السلاسل کند، اقدام آن‌ها برای تصاحب زمامداری آینده مسلمانان بود. این گروه پس از حضور در سپاه، همچنان نیت خود را دنبال کردند تا جایی که منافقان با آن‌ها همراه شدند و با ایجاد تفرقه و اختلاف، عامل نافرمانی از علی علیه السلام و عدم همراهی با وی برای مقابله با کفار گردیدند که البته با تدابیر آن حضرت خنثی شد. (راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۸؛ مرنندی، بی‌تا، ۸۵) دیگران نیز با تأیید این توطئه ائتلافی علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و اصرار آن حضرت برای اعزام برخی از این افراد به میدان ذات السلاسل به چند نکته مهم اشاره می‌کنند: نخست، اثبات عدم شایستگی این گروه برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله، دوم، تصریح بر ولایت امام علی علیه السلام و سه، نفاق عمرو بن عاص. (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۸۴۱) حمیری در شعری، این مهم را به رشته نظم درآورده است:

«در ذات السلاسل، سرزمین قبیله سلیم در بامداد، مرگ نابودکننده‌ای به سراغشان آمد. در حالی که ایشان عمر خطاب و عمرو بن عاص و رفیقش یعنی ابوبکر را بارها شکست داده و پراکنده ساخته و گروهی از انصار را کشته بودند؛ پس نذر گشوده شد؛ مرگ پیران تناوری را دیدار کرد که مهتران قوم بودند و رخنه‌ها با ایشان بسته می‌شد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۳۰)^۱

هدف پیامبر صلی الله علیه و آله در اصرار بر حضور ابوبکر و عمر و برخی دیگر از سران در ذات السلاسل، دستور بر تبعیت آن‌ها از امیرانشان و کوتاهی نکردن آن‌ها در انجام دادن مأموریت‌هایی بود که آن حضرت به ایشان سپرده بودند، اظهار ناتوانی آنان برای امر

۱. متن عربی شعر بدین شرح است: «وفی ذات السلاسل من سلیم - غداه اتاهم الموت المبین - و قد هزموا اباحفص و عمراً - وصاحبه مرارا فاستطیروا - و قد قتلوا من الانصار رهطاً - فحل النذر او وجبت نذور - ازاد الموت مشیخه ضخاما - ججاجحه یسد بها الثغور». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۳۰)

جانشینی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱۲۴)، اثبات برتری و وصایت اهل بیت علیهم‌السلام، آزمایش صحابه و شناسایی اهل فتنه بود. آیا دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حق حضرت علی علیه‌السلام، تصریح آن حضرت بر رضایت خدا و رسولش از وی و نزول وحی برای ابلاغ شایستگی حضرت علی علیه‌السلام برای وصایت و امامت و نص آن حضرت توسط خداوند کافی نیست؟ بر اساس این سریه، روشن می‌گردد لطف و رحمت خاصه الهی، شامل حال اهل بیت علیهم‌السلام می‌شود که مصداق آن افشای اهل نفاق و فتنه و پیروزی اهل حق و تصدیق آن است. (نک: همان، ص ۱۲۵) برخی منابع، این حادثه را با سریه اسامه بن زید همانند کرده، و به وسیله آن شایستگی و برتری ابوبکر و عمر بر زمامداری امت اسلامی و ولایت بر مسلمانان را رد می‌کنند. (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱؛ رازی، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۸۴۱)

۲. تأکید بر فضایل برخی دیگر از صحابه

آنچه بیش از همه مورد توجه تاریخ‌نگاران و منابع اسلامی بوده، تأکید بر نقش و جایگاه برخی صحابه و بیان فضایل و حالاتی از آنان است. (بخاری، ۱۴۰۱، باب فضایل ابوبکر، حدیث ۸) این مسأله، بیش‌تر از آن‌که با واقعیات تاریخی سازگار باشد، بیان‌گر تلاش برای ایجاد یک ذهنیت ساختگی تاریخی است تا به وسیله آن برتری و اولویت برخی صحابه برای زمامداری و امارت مسلمانان را امری معقول و دارای حجیت تاریخی و نقلی بدانند (بخاری، بی تا، ج ۶، ص ۲۴؛ ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۹۳؛ بیهقی، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۰؛ ج ۷، ص ۲۹۹؛ النسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۳۹)؛ در حالی که بر اساس منابع اسلامی، این گروه نه تنها توان انجام دادن مأموریت‌هایی را نداشتند که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این سریه به آنان واگذار کرده بود که فراتر از آن به سبب ترس و ناتوانی در برخورد با دشمن، دچار اختلاف شدند. حال چگونه شایستگی ولایت بر مسلمانان را دارا خواهند بود؟ (شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۵۲۹)

نکته قابل توجه آن‌که با وجود طرق مختلفی که برای روایت ذات‌السلاسل وجود دارد، عموم مسانید و رجال موجود در منابع اهل سنت، به عمرو بن عاص می‌رسد. اخباری که از وی روایت شده، به سه طریق قابل دریافت است:

به طور مستقیم با روایت ابو عثمان نهدی، عبدالرحمان بن جبیر و ابوبکر بن حزم، به نقل از غلام عمرو (ابوقیس) که خود در این سریه حضور داشته و از طریق صحابه (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶۹) و تابعان روایت شده است. (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۱۲)

طریقه سوم صحیحه عمرو است که ابوداود، دارقطنی، واقدی و احمد بن حنبل به آن استناد می‌کنند.

پس از این اخباری است که از طریق عوف بن مالک اشجعی و رافع طایبی نقل شده که خود در ذات السلاسل حضور داشته‌اند. (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۵۲۰۹)^۱ این اخبار در متون روایی عامه، به طور مفصل و درباره فضایل صحابه آمده و آن را دلیل بر برتری ابوبکر و عمر بر دیگر صحابه و شایستگی آن‌ها بر امارت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند. مهم‌ترین منبع در این زمینه، دو کتاب الصحیح و تاریخ بخاری است. وی اخبار سریه و فضایل صحابه را به ترتیب از معلی بن اسد، خالد الحذاء و ابوبشر واسطی نقل کرده است. (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۹۳) پس از او مسند مسلم (نیشابوری) قرار دارد که او نیز اخبار ذات السلاسل را از خالد الحذاء و یحیی بن یحیی نقل می‌کند. (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۰۹) بر این اساس، مسانید اخبار منابع غیر شیعی به افراد اندکی محدود می‌شود و از آن میان تأکید بر عمرو بن عاص است (بیهقی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۰؛ ج ۷، ص ۲۹۹) که در جهاد با کفار، دچار ترس و اضطراب شد و ائتلافی هراسناک و فتنه‌انگیز را علیه امام علی علیه السلام ترتیب داد.

یکی از مهم‌ترین موارد استناد عامه بر برتری ابوبکر و عمر بر دیگر صحابه؛ پرسش عمرو از پیامبر صلی الله علیه و آله و به قولی عایشه درباره محبوب‌ترین صحابه است (حاکم نیشابوری،

۱. رافع رئیس قبیله طی بود که گرایش مسیحی داشتند. (خلیفه، ۱۴۱۴، ص ۱۲۸) همچنین از روات سریه ذات السلاسل است. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۲) اخبار رافع به ویژه به واسطه پرسش‌هایی که از ابوبکر کرد و او به آن‌ها پاسخ داد، بیشتر از دیگران مورد توجه قرار گرفته است. او از جمله اعراب مسیحی بود که در ذات السلاسل با اسلام آشنا شد و هم‌زمان با آغاز خلافت ابوبکر به مدینه آمد و درباره زمام‌داری و جانشینی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله با او به بحث نشست. (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۵۲۰۹)

۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۲) که بر اساس آن، پیامبر ﷺ به ترتیب نام ابوبکر (عبدالرزاق، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۲۹ و ۳۶۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۶۴) عمر (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۳؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۹۳) و برخی دیگر از صحابه را بر زبان آورد. (نسائی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۳۹) شارح صحیح، با استفاده از این حدیث، دو مسأله مهم را طرح و شرح می‌کند:

۱. اجماع صحابه و اتفاق مسلمانان بر تفضیل ابوبکر و عمر و شایستگی آن‌ها بر خلافت،
۲. نبود فرمان صریح (نص) پیامبر ﷺ بر خلافت ابوبکر. (نووی، ۱۴۰۷، ج ۱۵، ص ۱۵۵-۱۵۶)

خبر دیگر مربوط به زمانی است که ابو عبیده، شکایت صحابه را نزد پیامبر ﷺ برد و آن حضرت فرمود: «لایتامر علیکما احد بعدی». (ابن حبیب، بی‌تا، ص ۱۲۱) در خبر دیگر است که فرمود: «ان یطع الناس ابابکر و عمر فقد ارشدوا». (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۱۵، ص ۳۲۶) اخباریان عامه، این خبر را دلیل بر برتری ابوبکر و عمر بر امر خلافت دانسته‌اند. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۱؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۳۱۷) و از آن چنین برداشت می‌کنند که منظور پیامبر ﷺ آن بود که «بعد از من جز از این‌ها فرمان نبرید!» (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۷۲-۷۷۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۹۱) برخی از متکلمان اهل سنت، از این اخبار و هم‌چنین جواز فرماندهی عمرو عاص در ذات‌السلاسل، خلافت ابوبکر و عمر را صحیح و جایز می‌دانند. (اسکافی، ۱۳۷۴، ص ۴۳)

در مواجهه با این فضیلت‌گرایی باید گفت:

۱. در حالی که اهل سنت، حضور ابوبکر و عمر را در این سربیه دلیل بر استحقاق آن دو بر جانشینی پیامبر ﷺ و زمام‌داری مسلمانان می‌دانند، پس باید گفت عمرو بن عاص بر ایشان اولویت دارد؛ زیرا پیامبر ﷺ عمرو را بر سپاهی گماشت که ابوبکر و عمر در بین آن‌ها بودند؛ چنان‌که شامی‌ها به همین جهت بر عمرو مباهات می‌کنند. (جوهری، ۱۴۱۲، ص ۶۸) هم‌چنین است علی بن ابی طالب علیه السلام که پیامبر ﷺ همه این افراد را تحت اطاعت و فرمان وی قرار دادند.

۲. این گروه مدعی‌اند که ابوبکر و عمر، به واسطه فرماندهی مسلمانان در این سربیه، شایستگی امارت دارند. اگر چنین باشد، باید گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله مسئولیت‌های متعددی را به صحابه واگذار کردند که مطابق این امر، همه باید مدعی زمام‌داری پس از آن حضرت باشند؛ در حالی که چنین نبود و ده‌ها شاهد می‌توان آورد که حضرت علی علیه السلام از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله، فرماندهی و مسئولیت داشت. (السلومی، ۱۴۲۸، ص ۲۰۱-۲۴۲)

۳. طبق قول آن‌ها که هر کس نماز خواند، شایستگی امارت دارد، این قضیه درباره بسیاری دیگر از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفت که سعد بن ابی وقاص یکی از آن‌ها بود (جوهری، ۱۴۱۲، ص ۴۷)؛ و در سربیه ذات السلاسل هم عمرو بن عاص نماز خواند (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۱)؛ چنان‌که مقداد خطاب به ابوبکر گفت: «اگر بحث ادعای تو باشد، عمرو بر تو ولایت دارد». (طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱) پس اگر خبر اقامه نماز ابوبکر در آخرین روزهای حیات پیامبر صلی الله علیه و آله هم صادق باشد، او هیچ ولایتی بر امام علی علیه السلام ندارد. به اضافه آن‌که در میان آن جمع حضرت علی علیه السلام حضور نداشت. (قاضی نعمان، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۲؛ عاملی، ۱۴۲۶، ج ۲۰، ص ۱۷۷-۱۸۰)

۴. هر کس مانند عمرو که پیامبر صلی الله علیه و آله او را امیر نماز و احکام کرد که فاضل نیست (طبری، المسترشد، بی‌تا، ص ۲۱۸-۲۱۹) و مستلزم امامت یا فضیلت فرد نمی‌شود. چنان‌که وقتی عمرو در سربیه ذات السلاسل نماز را اقامه می‌کرد، کسی نگفت که او بر ابوبکر و عمر فضیلت دارد.^۱

۱. عمرو بن عاص در سال هشتم هجری اسلام آورد. (بلاذری، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۸۰)

نتیجه

در این مقاله، نقش و جایگاه امام علی علیه السلام در ذات‌السلاسل و آثار آن، فضایل ایشان و رابطه آن با امامت و وصایت آن حضرت، انگیزه تغافل در روایت نقش امام علی علیه السلام در این سربه و دلایل آن بحث شد. دلیل این امر، تفاوت در روایت سربه ذات‌السلاسل، تأکید بر نقش و جایگاه برخی صحابه و نیاوردن نام امام علی علیه السلام در منابع اهل سنت بود. بر این اساس، دو قرائت از این سربه آورده شد که در منابع سنی و شیعی آمده و تشابه‌ها، تفاوت‌ها و تعارض‌های آن شناسایی شد. سپس درباره دلایل اثبات حضور امام علی علیه السلام و اهمیت آن بحث گردید و درنهایت، به دلایل تغافل منابع اسلامی پرداخته شد. طبق این تحقیق، روشن می‌گردد امام علی علیه السلام در سربه ذات‌السلاسل حضور فعال و مؤثری داشته و از آن‌جا که هدف اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد فرصتی برای تبیین وصایت و معرفی امامت منصوص امام علی علیه السلام و فراهم کردن زمینه‌های آن در بین مردم بود، گروهی از صحابه و منافقان، واکنش نشان دادند و علیه آن حضرت ائتلاف و توطئه کردند که با اقدامات حضرت علی علیه السلام، تدابیر پیامبر صلی الله علیه و آله و نزول سوره عادیات خنثی شد. آن‌ها هم‌چنین سعی کردند پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در قالب فضیلت‌سازی برای صحابه و تحریف در روایت و تغافل از آن و نقل مغازی و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله، مقاصد خود را دنبال کنند. بر این اساس، باید گفت: این سربه، یکی از زمینه‌های تاریخی فضیلت‌گرایی اهل سنت به‌ویژه درباره صحابه مهاجر قریشی سقیفه بوده است.

فهرست منابع

۱. احمد بن حنبل، مسند، بيروت، دارصادر، بی تا.
۲. ابن ابی شيبه، المصنف، تحقيق سعيد محمد اللحام، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳. ابن اثير، اسد الغابه، تهران، اسماعيليان، بی تا.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمان، زاد المسير في علم النفسير، بيروت، دارالکتب العربي، ۱۴۲۳ ه.ق.
۵. ابن جبر، علی، نهج الايمان، تحقيق احمد حسيني، قم، مجتمع امام هادی عليه السلام، ۱۴۱۸ ه.ق.
۶. ابن حبان، الثقات، حيدرآباد، الکتب الثقافيه، ۱۳۹۳ ه.ق.
۷. ابن حبيب، المحبر، تصحيح ايلزه ليختن شتيتير، بيروت، المکتب التجاري، بی تا.
۸. ابن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۱۸ ه.ق.
۹. ابن سيدالناس، عيون الاثر، بی جا، مؤسسه عزالدين، ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۰. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، الحيدري، ۱۳۷۶ ه.ق.
۱۱. ابن عبدالبر، الاستيعاب في معرفه الاصحاب، تحقيق علی محمد البجاوی، بيروت، دارالجيل، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۲. ابن كثير، اسماعيل، البدايه و النهايه، تحقيق علی شيري، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۳. _____، السيره النبويه، تحقيق مصطفى عبدالواحد، بيروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۶ ه.ق.
۱۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ۱۳۷۵ ه.ق.
۱۵. ابن هشام، عبدالملك، السيره النبويه، بيروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۶. استرآبادی، احمد، آثار احمدی، تهران، ميراث مکتوب، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. اسکافي، محمد، المعيار و الموازنه، تحقيق محمدباقر محمودی، تهران، نشر ني، ۱۳۷۴ ه.ق.
۱۸. بحراني، هاشم، البرهان في تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، ۱۴۱۶ ه.ق.
۱۹. بخاری، اسماعيل، تاريخ الكبير، دياربکر، المکتبه الاسلاميه، بی تا.
۲۰. بخاری، اسماعيل، صحيح، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه.ق.
۲۱. بلاذري، احمد، انساب الاشراف، تحقيق محمودی، بيروت، الأعلمی، ۱۳۹۴ ه.ق.
۲۲. بيهقي، احمد، السنن الكبرى، بيروت، دارالفکر، بی تا.
۲۳. ترمذی، محمد، سنن، تحقيق عبدالرحمان محمد، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ه.ق.

۲۴. جوهری، احمد، السقیفة والفدک، تحقیق امینی، الثانية، بیروت، الکتبی، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۵. حاکم نیشابوری، المستدرک، تحقیق مرعشی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ه.ق.
۲۶. حسینی استرآبادی، شرف‌الدین علی، تأویل الآیات الظاهره، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۷. حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتاب‌فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۸. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۹. خلیفه بن خیاط، طبقات، تحقیق زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۰. دیلمی، ارشادالقلوب، ترجمه علی سلگی، ناصر، ۱۳۷۶ ه.ش.
۳۱. ذکاو تنی قرآگزلو، علیرضا، اسباب النزول، تهران، نی، ۱۳۸۳ ه.ش.
۳۲. رازی ابوالفتوح، روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ه.ق.
۳۳. رازی، محمد، نزهة الکرام و بستان‌العوام، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت / دمشق، دارالعلم / دارالشامیة، ۱۴۱۲ ه.ق.
۳۵. راوندی، ضیاء‌الدین، النوادر، تحقیق عسکری، دارالحديث، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳۶. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، قم، الإمام‌المهدی، بی‌تا.
۳۷. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، بی‌تا.
۳۸. السلومی، عبدالعزیز سلیمان، دور علی بن ابی طالب فی غزوات و سرايا النبی ﷺ «دراسة تاریخیة توثیقیة»، المدينة المنورة، العدد ۴۲، صفحات ۲۰۱-۲۴۲، ۱۴۲۸ ه.ق.
۳۹. سمعانی، عبدالکریم، الانساب، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ ه.ق.
۴۰. شیخ صدوق، محمد، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ه.ق.
۴۱. شیرازی، محمدطاهر، الأربعین فی امامة الائمه الطاهریین، تحقیق رجائی، محقق، ۱۴۱۸ ه.ق.
۴۲. صحیفة الرضا، باشراف ابطحی، قم، مؤسسة الإمام‌المهدی، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۳. طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲ ه.ش.
۴۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۴۵. طبرسی، احمد، الإحتجاج، تحقیق خراسان، دار النعمان، بی‌تا.

۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۵ ه.ق.
۴۷. طبری، محمد، المسترشد فی امامة امیر المؤمنین، تحقیق محمودی، قم، کوشانیور، بی تا.
۴۸. _____، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسة الأعلمی، بی تا.
۴۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق حسینی اشکوری تهران، المرتضویه، ۱۳۷۵.
۵۰. طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۵۱. عبدالرزاق، ابوبکر، مصنف، تحقیق حبیب الاعظمی، بی جا، المجلس العلمی، بی تا.
۵۲. علامه حلی، المستجد من کتاب الارشاد، قم، مرعشی، ۱۴۰۶ ه.ق.
۵۳. علی بن یونس، عالمی، صراط المستقیم، تحقیق محمودی، مکتبة المرتضویه، بی تا.
۵۴. فخر رازی، مفاتیح الغیب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۷۰ ه.ق.
۵۵. فرات کوفی، تفسیر، تحقیق محمد کاظم، ایران، وزراہ الثقافه و الإرشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ه.ق.
۵۶. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، تحقیق فیضی، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ه.ق.
۵۷. قاضی نعمان، شرح الأخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق حسینی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۵۸. قرشی، باقر شریف، حیاة الامام الرضا علیه السلام، بی جا، منشورات سعید بن جبیر، بی تا.
۵۹. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ه.ش.
۶۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، تصحیح جزایری، الثانية، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ه.ق.
۶۱. کلینی، محمد، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ ه.ش.
۶۲. کوفی، ابوالقاسم علی بن احمد، الاستغاثه (فی بدع الثلاثه)، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
۶۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ ه.ق.
۶۴. مرتضی العاملی، جعفر، الصحیح من السیره النبوی الاعظم، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ه.ق.
۶۵. مرندی، ابوالحسن، مجمع النورین، بی نا، بی تا.
۶۶. مسلم نیشابوری، صحیح، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۶۷. مفید، محمد، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق.
۶۸. مقریزی، تقی الدین، إمتاع الأسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ه.ق.

۶۹. مکارم شیرازی، ناصر، *المثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۱ ه.ق.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۷۱. موسوی همدانی، محمدباقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ه.ش.
۷۲. مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی*، تهران، اسلامی، ۱۳۷۰.
۷۳. میدی، رشیدالدین، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ه.ش.
۷۴. النسائی، احمد، *السنن الكبرى*، تحقیق بنداری و...، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ه.ق.
۷۵. نووی، شرح مسلم، الثانية، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ه.ق.
۷۶. واقدی، محمد، *المغازی*، بیروت، الأعلمی، ۱۴۰۹ ه.ق.
۷۷. یعقوبی، احمد، *تاریخ*، قم، اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
۷۸. یوسفی، محمدهادی، *موسوعة التاريخ الاسلامی*، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۱۷ ه.ق.